



سودابه بیضایی، بازیگر:

این مادر بلوچ می تواند نماینده کلمه مادر باشد

از جذابیت این فیلمنامه و مسیر پیوستن تان به این پروژه بگوئید.

در این پروژه نیز طبق روال هر فیلمی با من تماس گرفته شد و پس از خواندن فیلمنامه به دفتر فیلمسازی رفته و قرارداد بستم و نقش من در این فیلمنامه نقش یک زن بلوچ بود و قصه در بلوچستان می گذشت. من پیش از این پروژه سفری به منطقه چابهار داشتم و از نزدیک آن منطقه و مردمانش را دیده بودم اما زیست کردن در قالب یک زن بلوچ برای من بسیار چالش برانگیز و در عین حال تجربه بسیار خوبی بود. این فیلم در واقع سفر قهرمانی یک پسر از دنیای کودکی و نوجوانی به جوانی است. سفری که شاید هر مردی در این مرحله از زندگی اش داشته باشد و به نظرم مادر در این سفر نقش بسیار تعیین کننده ای دارد و من این مادر و این پسر «میرو» را به همین شکل می دیدم. پسری که در حال گذراندن این مرحله از زندگی اش است و مادری که باید کنارش باشد تا پسر بتواند این سفر را به سلامت بگذراند.



نقش این مادر بلوچ را چگونه دیدید؟ آیا این کاراکتر برای شما ملموس بود؟

این مادر بلوچ می تواند نماینده کلمه مادر باشد. مادرانگی این نقش خیلی زیاد بود و همین مسئله یکی از جذابیت های این پروژه برای من بود. این زن و مادر بلوچ از من خیلی دور بود و چیزی که به من در رسیدن به این نقش خیلی کمک کرد مشاهده کردن زنانی بود که قرار بود نقشی شبیه آنها بازی کنم. در این مسیر نگاه کردن به زیست این زنان از نشست و برخاست، تا عشق ورزیدن و رفتارشان با بچه ها و دقت در تمام جزئیات زندگی شان و مشاهده آن، کمک کرد تا بتوانم جزئیات این کاراکتر را در بیابورم و از آن کاراکتری ملموس بسازم. همینطور آقای افشار که خودشان بلوچ هستند و مشاور لهجه ما در این کار بودند برای رسیدن به این نقش کمک زیادی به من کردند.

بازی در نقش هایی که کمتر روی پرده سینما دیده شده مثل نقش این مادر بلوچ، شما را به عنوان بازیگر با چه چالش ها و تجربیات جدیدی روبرو کرد؟

نقشی که معمولاً از زیست معمول شخصیت خود بازیگر دور است چالش های زیادی ایجاد می کند و همین چالش سبب می شود که بازیگر تلاش بیشتری کند و همین تلاش بیشتر باعث می شود که بازیگر در این مسیر پخته تر شود و به جزئیات بیشتری از خودش پی ببرد. ویژگی های زیست در منطقه بلوچستان بسیار متفاوت از ویژگی های زیست مادر تهران یا دیگر شهرهای دیگر است. از مدل لباس پوشیدن و تنوع رنگی لباس زنان منطقه تا سن ازدواج، تعداد بچه ها، سبک زندگی و حتی غذاهای منطقه که همگی با زیست ما متفاوت است و همین برای من این کاراکتر و بازی کردن یک زن بلوچ را خیلی جذاب کرد و مشاهده کردن و دیدن زیست آدم های آن منطقه به من کمک کرد تا به جزئیات زیادی از این نقش برسم.



حسین ریگی، کارگردان:

در همه جای دنیا ژانر کودک حمایتی است

فیلمسازان که به صورت تخصصی کار کودک و نوجوان می کنند باید از طریق کدام نهاد حمایت شوند؟! آیا تهیه کننده شخصی می تواند به تنهایی در این عرصه دوام بیاورد؟ متأسفانه از روزی که فیلم به اکران رسیده است یکی از این مجموعه ها مدام به ما و بنیاد فارابی حمله می کند که چرا بنیاد سینمایی فارابی از این فیلم حمایت کرده است؟ ولی اگر بنیاد سینمایی فارابی حمایتش را بردارد همین چند فیلم نیز دیگر در ژانر کودک و نوجوان ساخته نخواهد شد. ما باید تمام ابعاد یک مسئله را در نظر بگیریم، ژانر کودک و نوجوان ژانر سختی است و دوستانی در این عرصه مشغول به فعالیت هستند و موفقیت هایی نیز کسب کرده اند. فیلم هایی که من تاکنون ساخته ام هر کدام حداقل چندین جایزه داخلی و خارجی گرفته اند و اگر این موفقیت نیست پس موفقیت یک اثر فقط با فروش آن تعیین و تایید می شود؟ و هیچ کدام از این اتفاقات بین المللی و جوایز داخلی و خارجی ارزشی ندارند فقط اگر فیلم به فروش بالایی می رسید من فیلمساز موفق بودم؟ مسلماً اینکه یک فیلم هم در عرصه بین المللی موفق باشد و هم فروش بالایی داشته باشد حالتی ایده آل و بسیار خوب است اما نمی توانیم بگوئیم که چون یک اثر خوب نفروخته، فیلم خوبی نیست و یا اینکه چون جایزه نگرفته فیلم خوبی نیست. ژانر کودک و نوجوان خود مهجور و مظلوم هست و حال برخی از دوستان بدون علم کافی از اینکه ژانر کودک کوان نوجوان یک ژانر حمایتی است و باید به آن بها داد به این آثار می تازند. در حالی که ژانر کودک و نوجوان در همه جای دنیا به غیر از هالیوود ژانر حمایتی است و این ژانر فقط در هالیوود جا افتاده است و در دیگر نقاط جهان با حمایت های NGO ها و سیستم های دولتی به حیات خود ادامه می دهد. مشخصاً در هالیوود با آلمان ها، فضا، امکانات و سرمایه ای که وجود دارد فیلم ها با کیفیتی ساخته می شود که می تواند حتی یک بخش بین المللی خوب داشته باشد و به همین علت علاوه بر تماشاگر کودک حتی مخاطب بزرگسال را نیز جذب می کند.

باز خورد مردم منطقه سیستان و بلوچستان در روزهای فیلمبرداری و همکاری ها به چه صورت بود؟

برای من به عنوان یک فیلمساز بلوچ جای مسرت داشت که وقتی ما فیلمبرداری را آغاز می کردیم واقعاً مردم با تمام انرژی شان همکاری و به ما کمک می کردند و لطف زیادی داشتند و اغلب می خواستند که تمام گروه را یا به منزل خود دعوت کنند و یا ضیافت شام یا ناهاری برپا کنند. البته ما نمی توانستیم تمام این پیشنهادات را قبول کنیم ولی برای عوامل کار نیز خیلی جالب بود که چقدر مردم این منطقه با آنچه که از آنها شنیده بودند متفاوت هستند. خانم رویا تیموریان که یکی از بازیگران دومین فیلم سینمایی من بود برای حضور در منطقه خیلی نگران بودند اما زمانی که فضا را دیدند شگفت زده شدند، همینطور آقای امیر رضا دلوری و برخی از عوامل کار هم در ابتدا نگرانی هایی داشتند اما اکنون خبردار می شویم که این عزیزان جدا از مبحث فیلم نیز به چابهار و منطقه سفر کرده اند و خوشبختانه این فضای خوبی که ایجاد شد احساس آرامشی برای سفر به این منطقه در دوستان ما ایجاد کرد.

سخن پایانی

در انتها دوست دارم به دو مطلب اشاره کنم یکی اینکه کسانی که بدون اطلاع سخن می گویند قاتلان خاموش ژانر کودک و نوجوان هستند. باید نگاه ویژه ای به ژانر کودک و نوجوان وجود داشته باشد و راجع به آن در جوامع مختلف صحبت کرد و مطلب دوم اینکه به پشتوانه صحبت هایی که داشتم از مردم دعوت می کنم که از ژانر کودک و نوجوان به ویژه فیلم سینمایی «میرو» حمایت کنند. این فیلم را ببینند و مایخی از تاریخ مملکت و جغرافیای کشور مان که تاکنون در سینما با تصویر دیگری به آنها نشان داده شده آشنا شوند و مردم خوب سیستان و بلوچستان را روی پرده سینما ببینند.



ناباز یگران زیادی در فیلم حضور دارند و حتی نقش های اصلی را در کنار بازیگران حرفه ای بر عهده گرفته اند. از نحوه انتخاب و کار با این نابازیگران بگوئید.



من در فیلم «لیبار» ۵ بازیگر نوجوان، در فیلم «هوک» دو بازیگر نوجوان و در این فیلم ۱۷ بازیگر نوجوان داشتم که برای اولین بار دور بین فیلمبرداری سینما را از نزدیک می دیدند. من این بازیگران را از طریق تست هایی که به عمل آمد و از گوشه گوشه سیستان و بلوچستان پیدا کردم. این بازیگران در کنار بازیگران حرفه ای که تجربه سال ها بازیگری در سینما دارند حضور پیدا کردند و فکر می کنم که پا به پای آنها پیش آمدند و این مطلب مهمی است که باید دیده شود. گاهی در مورد بازیگران با نقدهای غیر منصفانه ای مواجه می شویم در حالی که حتی اگر تمام بازیگران یک فیلم نابازیگر و یا همه حرفه ای باشند باز احتمال دارد که بازی ها یکدست نباشد. حال مادر این فیلم ۱۷ بازیگر داشتیم که به نظرم واقعاً بازی های قابل قبولی نیز ارائه دادند ولی متأسفانه عده ای انتظار دارند که این نابازیگران در حد و اندازه بازیگرانی مثل نوید محمدزاده و یا شهاب حسینی ظاهر شوند که قطعاً اینگونه نخواهد بود.

مسیری که برای آماده کردن این نابازیگران طی شد به چه شکل بود؟

من در هر کدام از فیلم هایم به روشی پیش رفتم، معمولاً مسئولی انتخاب می کنم تا با نابازیگرها تمرین کند حال در پروژه ای از بازیگران استفاده می کنم مثل آقای امین میری و در فیلم دیگری از مشاوری که بتواند اکت ها را به این بازیگران انتقال دهد و به نوعی به عنوان «دستیارم آنچه که من می خواهم» انتقال داده و با آنها تمرین کند. ما با این بازیگران ساعت ها تمرین می کردیم ولی سعی من بر آن بود که کل فیلمنامه را به این بازیگران ندهم تا وارد قصه فیلمنامه نشوند بلکه بیشتر با تحلیل شخصیت و صحبت در این زمینه با بازیگر را به اتمسفر فیلم بکشانیم. من معتقدم که وقتی فیلمنامه را به یک نابازیگر بدهید و او فیلمنامه را بخواند دیگر در گیر داستان و قصه خواهد شد و تجربه من نشان می دهد که این امر به عدم موفقیت بازیگر ختم می شود. در این فیلم ایوب افشار به عنوان مشاور لهجه و کسی که سال ها کار بازیگری کرده و خود استادی در این زمینه است با این بازیگران همینطور با بازیگر حرفه ای فیلم روی لهجه ها تمرین کرد.

زمان نسبتاً مناسبی برای فیلمبرداری داشتید و احتمالاً همین امر سبب شده بر خلاف برخی فیلم های این ژانر، فیلم دچار پرش نشده و صحنه ها از توالی مناسبی برخوردار باشند.

بله من راش های زیادی داشتم اما می خواهم به یک نکته اشاره کنم. همیشه ما با این مسئله و تفکر روبرو هستیم که کار کودک و نوجوان را می شود سریع تر از کارهای دیگر جمع کرد در حالی که برعکس است و من اعتقاد دارم که برای کار کودک و نوجوان باید وقت بیشتری گذاشت. روزهای متعددی حین ساخت این فیلم روی دریا بودیم و کار کردن روی دریا به اندازه دو یا سه برابر کار کردن روی خشکی زمان و انرژی نیاز دارد چرا که پای ما روی زمین نیست و یک موج می تواند کل سیستم فیلمبرداری را به هم بریزد و حتی عوامل کار را به خطر بیندازد. علاوه بر این معمولاً در فیلم های کودک و نوجوانی و فیلم هایی که برای کودک و نوجوان ساخته می شود نابازیگران حضور دارند و حضور نابازیگران یعنی نیاز به برداشته های متعدد و بیشتر و این یعنی زمان و بودجه بیشتر. متأسفانه در نقدها نسبت به سینمای کودک و نوجوان گارد گرفته شده و این سوال ایجاد شده که چرا بنیاد فارابی و یا دیگر ادارات دولتی از پروژه های کودک و نوجوان حمایت می کنند. اما سوال من از عزیزان این است که مادر سینمای کودک و نوجوان کشور مان تاکنون چند فیلم داشته ایم که خوب فروخته است؟ تعداد این فیلم ها به انگشتان دو دست هم نمی رسد با این اوصاف چه کسی باید از ژانر کودک و نوجوان حمایت کند؟! فیلمسازانی مثل حسین ریگی یا دیگر